

عنوان مقاله:

بررسی «ازخودبیگانگی زن» در جامعه پدرسالار داستان‌های کوتاه «زویا پیرزاد» و «هیفا بیطار»

محل انتشار:

کاوش نامه ادبیات تطبیقی، دوره 7، شماره 26 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

زهرا حاجی هاشمی - کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان

احمدرضا صاعدی - استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان

نرگس گنجی - دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

چکیده نقد جامعه‌شناختی، یکی از روش‌های نقد ادبی، است که در تحلیل متون ادبی معاصر کاربرد دارد؛ بر این اساس، رمان و داستان، حوزه‌های مناسبی برای انجام مطالعات جامعه‌شناختی به شمار می‌رود. در دوران معاصر، نویسندگان بزرگی از بانوان به نگارش رمان و داستان اقدام نموده‌اند و با پرداختن به موضوعات اجتماعی، سعی داشته‌اند مشکلات و مسائل زنان جامعه خود را مطرح کنند. بی‌شک یکی از مهم‌ترین موتیف‌های ادبیات زنان نویسنده، پرداختن به مسئله هویت زنان و بیگانگی آنان در جامعه و به ویژه جامعه پدرسالاری است. در این نوشتار، سعی شده است موضوع ازخودبیگانگی زن در جامعه پدرسالاری با رویکردی جامعه‌شناختی و به روش توصیفی - تحلیلی، در چند داستان کوتاه از دو نویسنده معاصر ایرانی و سوری (زویا پیرزاد و هیفا بیطار) بررسی و تحلیل شود. نتایج حاصله از بررسی داستان‌های این دو نویسنده (آن‌ها)، حاکی از آن است که در جامعه پدرسالاری، علاوه بر عقاید غلط حاکم و نوع نگرش جامعه نسبت به زن، شیوه‌های رفتاری زنان و عدم آگاهی از حقوق و جایگاه انسانی خود در جامعه، از دلایل اصلی سلطه مرد بر زندگی زن و از بین بردن حقوق مادی و معنوی وی و سرانجام ازخودبیگانگی او محسوب می‌گردد. ازخودبیگانگی، بر کیفیت زندگی زن تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که زن، معناداری و احساس رضایتمندی و شادکامی را در زندگی کمتر تجربه کند. این دو نویسنده، سعی داشته‌اند شرایط زندگی زنان جامعه خود را نشان دهند و نوعی آگاهی و بیداری در زنان ایجاد نمایند.

کلمات کلیدی:

داستان کوتاه، ازخودبیگانگی، جامعه پدرسالار، هیفا بیطار، زویا پیر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1203835>

